

# گنگ خواب دیده

نگاهی به نخستین دریافت‌های ایرانیان  
از تمدن جدید غرب

بهزاد جامه‌بزرگ | با مقدمه رضا داوری اردکانی

عنوان: گنگ خواب دیده  
نگاهی به نخستین دریافت‌های ایرانیان  
از تمدن جدید غرب

نویسنده: بهزاد جامه‌بزرگ  
ویراستار: مریم ترکمیان  
نمونه خوان: رسول احدی خانقاه

طراح جلد: رضا دولت‌زاده  
صفحه‌آرا: زهرا صالح‌نژاد

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۹۹۶-۶۵-۶

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۱

قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان

تمام حقوق چاپ و نشر، محفوظ  
و متعلق به نشر صاد است

نشانی: تهران - خیابان کریمخان زند  
بین خیابان ایرانشهر و ماهشهر - پلاک ۴۶ - طبقه دوم

شمارگان: ۵۰۰

سروش‌نامه، جامه‌بزرگ، بهزاد، ۱۳۶۲ -  
عنوان و نام پدیدآور: گنگ خواب دیده : نگاهی به نخستین  
دریافت‌های ایرانیان از تمدن جدید غرب / بهزاد جامه‌بزرگ ؛  
ویراستار مریم ترکمیان .  
مشخصات نشر: تهران : نشر صاد، ۱۴۰۱ .  
مشخصات ظاهری: ۲۱۴ ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۹۹۶-۶۵-۶  
وضعیت فهرست نویسی: فیا  
یادداشت: چاپ قبلی: یارمند: نشر صاد، ۱۳۷۰ (۲۲۱ ص. ۱).  
عنوان دیگر: نگاهی به نخستین دریافت‌های ایرانیان از تمدن  
جدید غرب .

موضوع: ایران -- تمدن -- تأثیر غرب  
موضوع: Western influences -- Civilization -- Iran

موضوع: تمدن غرب  
موضوع: Civilization, Western

رده‌بندی کنگره: DSR۶۵

رده‌بندی دیوبی: ۹۵۵/۰۰۴۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۳۶۱۹۷

## فهرست

|    |                                                                                                               |
|----|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۹  | مقدمه دکتر رضا داوری اردکانی                                                                                  |
| ۱۵ | مقدمه نویسنده                                                                                                 |
| ۱۹ | بیان مسئله                                                                                                    |
| ۲۵ | بخش اول: زمینه‌های آشنایی و برخورد                                                                            |
| ۲۹ | فصل اول، تصویری از جامعه ایران مقارن شکل‌گیری تمدن جدید اروپایی                                               |
| ۴۳ | فصل دوم، نخستین برخوردها با تمدن جدید غرب و تبعات ناشی از آن برای ایران                                       |
| ۵۹ | فصل سوم، نخستین تلاش‌ها برای شناخت تمدن جدید غرب                                                              |
| ۶۷ | بخش دوم: بررسی و تحلیل سفرنامه‌های ایرانی دوره قاجار                                                          |
| ۷۱ | فصل اول، سفرکنندگان رسمی و صاحب‌منصبان و سفیران دولتی                                                         |
| ۷۱ | ۱ عسرت چهل مرکب / حیرت‌نامه: سفرنامه ابوالحسن خان ایلچی به لندن                                               |
|    | ۲ زبان الکن روایت فاصله‌ها / دلیل السفر: شرح مسافرت ابوالحسن خان ایلچی شیرازی به روسیه / محمدهادی علوی شیرازی |
| ۸۶ | ۳ جذابیت نهادهای نوظهور / سفرنامه میرزا صالح شیرازی                                                           |
|    | ۴ رساله‌ای برای آغاز اصلاحات سفرنامه خسرو میرزا به پطرزبوغ / به قلم میرزا مصطفی افشار                         |
| ۹۵ |                                                                                                               |

- ۵ دریافت های عامیانه شاهزادگان / سفرنامه رضاقلی میرزا نایب الایاله ..... ۱۰۳
- ۶ واکنش به آزادی های مدنی سفرنامه حسین خان نظام الدوله، آجودانباشی / به قلم  
میرزا فتح خان گرمرو دی ..... ۱۱۳
- ۷ توقف در گزارش های رسمی سفرنامه سیف الملک به روسیه / به قلم میرزا حبیب الله  
افشار قزوینی ..... ۱۱۸
- ۸ سرگردانی در میان بدایع و نویینی مخزن الوقایع: سفرنامه فرخ خان امین الدوله به  
اروپا / به قلم حسین بن عبدالله سربابی ..... ۱۳۰
- ۹ چشمان باز بسته / سفرنامه عبدالصمد میرزا سالور عزالدوله ..... ۱۳۶
- ۱۰ حسرت ترقی و وارونه ایرانیان / سفرنامه ظهیرالدوله ..... ۱۳۷
- فصل دوم، سفرنامه های تجار و بازرگانان ..... ۱۳۷**
- ۱ روایتی از بازار مکاره تجارت غرب / سفرنامه شیکاگو میرزا محمد علی خان  
معین السلطنه ..... ۱۳۸
- ۲ کز فهمی بر پایه ساده انگاری / سفرنامه ابراهیم صحافیاشی تهرانی ..... ۱۴۰
- فصل سوم، سفرنامه های سیاحان و زائران ..... ۱۴۵**
- ۱ سفرنامه های ایرانیان مقیم هندوستان ..... ۱۴۵
- الف) تصویر تمدن جدید از منظر استعمار هند / تحفة العالم و ذیل التحفة  
(میر عبداللطیف شوشتری) ..... ۱۴۵
- ب) تنبیه و تذکر اهل اسلام / مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان ..... ۱۵۲
- ۲ دریافت اخلاقی و حسن و قبح تمدن جدید / سفرنامه حاج سیاح به فرنگ ..... ۱۵۶
- ۳ محک غرب با عیار اخلاق / سفرنامه حاجی پیرزاده ..... ۱۶۲
- ۴ روایتی ناقص از دولت نوساز / سفرنامه سهام الدوله بجنوردی ..... ۱۶۸
- ۵ فرصت تاریخی برای ترقی: ترقی ژاپن، توقف چین / سفرنامه مکه مهدیقلی هدایت ..... ۱۶۹
- ۶ سفرنامه های مکه ..... ۱۷۴
- الف) تقلیل گرایی تمدن جدید به بی بندوباری اخلاقی / سفرنامه فرهاد میرزا  
معمدالدوله ..... ۱۷۵
- ب) روایتی ادبی از شرایط اخلاقی / سفرنامه محمد معصوم علیشاه ..... ۱۷۸
- ج) معایب جمهوری و تطهیر سلطنت / سفرنامه میرزا محمد حسین فراهانی ..... ۱۸۰
- فصل چهارم، سفرنامه های شاهان به فرنگ ..... ۱۸۳**
- ۱ عیش و عشرت شاهانه و خیال انگیزی یوروپ / سفرنامه های ناصرالدین شاه به  
فرنگ ..... ۱۸۳

## مقدمه دکتر رضا داوری اردکانی

بسیار خوش حالم که توانستم این کتاب را در شرایطی که خواندن و نوشتن برایم بسیار دشوار شده است، قبل از چاپ بخوانم. در این کتاب، تاریخ دویست ساله نسبت ما با جهان جدید به صورتی روشن و با رعایت حوصله خوانندگان تصویر و گزارش شده است و به اعتباری می توان آن را گزارش یک سوء تفاهم دویست ساله دانست. داستان از زمانی آغاز می شود که آقامحمدخان قاجار به گرجستان لشکر کشید؛ این لشکرکشی را باید آغاز جنگ های ایران و روس دانست که کار ایران در آن جنگ ها ساخته شد. انعقاد قراردادهای گلستان و ترکمانچای آغاز دوره فتور و ناتوانی ما بود؛ گرچه نهضت هایی مثل مشروطه برای فائق آمدن بر آن پدید آمد، اما نتیجه ای که می بایست بدهد، نداد.

گزارش نشان می دهد که حکام ایران از تحولی که در جهان روی داده بود خبر نداشتند و از درک اوضاع زمان و شرایط و امکان ها نیز عاجز بودند و به مقتضای طبع و خوی خاص خود تا اندکی قدرت و اختیار داشتند (چون راه صلاح را تشخیص نمی دادند) با اصرار در خودرایی، راهی را که به کشور زیان می رساند، برمی گزیدند تا اینکه کارشان به اضطرار می کشید و تسلیم ضرورت می شدند؛ ضرورتی که می توانستند از آن جلوگیری کنند، ولی چون از فهم و خرد دور

و بی بهره بودند، در نمی یافتند که تا کجا پیش روند و در کجا توقف کنند و با دولت‌ها و حکومت‌های اروپایی چه قراردادها و عهدنامه‌هایی ببندند و اگر در جنگی وارد می‌شوند، اولاً توانایی خود و حریف را بسنجند و ثانیاً به آثار و پیامدها و نتایج آن ببیندیشند.

بخش اول کتاب مطالعه گزارش تصمیم‌ها و اقدامات حاکمان ایران در آغاز برخورد با اروپاست و در آن نشان داده می‌شود که تصمیم‌ها و اقدامات بدون تأمل و از روی جهل و غرور و اصرار در نادانی و نادان ماندن، اتخاذ و اجرا می‌شده است. مثال و نمونه آن رد پیشنهادهای مکرر روسیه پس از قتل آقامحمدخان برای عقد قرارداد صلح و انعقاد قراردادی مسخره با فرانسه بود که ایران را گرفتار دو جنگ با روسیه کرد و فاجعه با انعقاد قرارداد ترکمانچای ختم شد.

در بخش دوم، نویسنده به مرور سفرنامه‌هایی می‌پردازد که مأموران سیاسی ایران و بازرگانان و سیاحان ایرانی از زمان فتحعلی‌شاه تا دوران مشروطیت نوشته‌اند. همت نویسنده را باید تحسین کرد که بیش از بیست سفرنامه را خوانده و آن‌ها را از روی فهم و با ذوق تلخیص کرده و نکات عمده‌ای که فهم نویسنده از جهان جدید را نشان دهد، یافته و گزارش کرده است.

به نظر نویسنده، نویسندگان سفرنامه‌ها (به جز خسرومیرزا که هم سفری مثل میرزاتقی‌خان فراهانی داشت و میرزامهدی مخبرالسلطنه) بیشتر ظواهر و امور اتفاقی را دیده و از درک آنچه اروپا را دگرگون کرده غافل و عاجز مانده‌اند. وقتی حاکمان و مدیران و بازرگانان کشور، اروپا را شناسند و ندانند که در آنجا چه گذشته است و چه می‌گذرد، پیداست که نمی‌توانند با آن رابطه معقول داشته باشند.

به گمان من، «گنگ خواب دیده» می‌تواند آینه‌ای باشد که نویسنده کتاب در برابر ما قرار داده و از ما خواسته است که صورت و سیرت فهم و فرهنگ خویش را در آن تماشا کنیم؛ ولی چون این تماشا باید با چشم جان باشد به آسانی صورت نمی‌گیرد. نیاکان ما جهان جدید را نشناختند، ما هم (گرچه اطلاعاتمان بیشتر است) در درک و فهم کم‌وبیش با آن‌ها شریکیم و همان نگاه را داریم و چندان

بیش از آنچه آن‌ها از باطن تجدد دریافتند، دریافته‌ایم و علاقه‌ای هم به درک و دریافت آن نداریم. اروپا و تجدد و گذشته و آینده آن برای ما مسئله نیست. ما علم جدید و بعضی تکنولوژی‌ها را به عنوان اطلاعات و اشیای مصرفی از جهان تجدد انتزاع کرده و فراگرفته و اخذ کرده‌ایم، حتی فلسفه و علوم انسانی ما انتزاع شده از جهان تجدد است. چنان‌که از خواندن این اثر درمی‌یابیم جهانگردان دو قرن پیش، تجدد را مجموعه خوب‌ها و بد‌ها دانسته‌اند. مگر این سخن اکنون و هنوز مقبول بسیاری از روشنفکران نیست؟ البته کتاب‌هایی درباره تجدد ترجمه و تألیف و منتشر شده است، اما در آنچه نویسندگان خودمان نوشته‌اند (از اهل سیاست و حکومت توقعی ندارم) مطلب تحقیقی درباره تجدد و جهان جدید بسیار اندک است و کسانی هم که کم‌وبیش به پرسش تجدد اندیشیده و در اطراف آن مطالعه کرده‌اند گویی خجالت می‌کشند که به صراحت اظهار نظر کنند و شاید می‌ترسند که مورد سرزنش بیروان تجدد مآب قرار گیرند، یا ظاهربینان متحجر گفتارشان را بر مخالفت با تجدد و تأیید قشریت حمل کنند.

ما دو گروه هستیم و وجه مشترک هر دو این است که قبل از شناخت جهان جدید و متجدد غربی، با آن مخالفت یا موافقت می‌کنیم. آن‌که مخالف است، تجدد را عین قهر می‌داند و می‌پندارد که مخالفت با دموکراسی نفی قهر غربی است. آن‌هم که موافق است، شیدای لفظ و وصف دموکراسی است. یکی غرب را عین سلطه سیاسی می‌داند و دیگری آن را کانون آزادی و علم و رفاه می‌شناسد. این دو گروه با همان چشمی به غرب نگاه می‌کنند که اولین سفیران در زمان قاجارها به روی دنیای جدید گشودند. البته چنان‌که اشاره شد، امروزی‌ها و مخصوصاً امروزی‌هایی که غرب را عین دموکراسی و حقوق بشر می‌دانند، اطلاعات بیشتری از غرب دارند؛ اما اطلاعات همیشه به فهم مدد نمی‌رساند و چه بسا که فهم افسرده و خواب‌آلوده را آشفته سازد.

آقای جامه‌بزرگ، نویسنده «گنگ خواب‌دیده»، حرفی از آشنایی مردم این زمان نمی‌زند، اما نشان می‌دهد که در طی یک قرن (از ابتدای قرن نوزدهم میلادی تا آغاز قرن بیستم) تحولی در آگاهی ناظران ایرانی پدید نیامده است. در

این قرن، روابط آسان‌تر و بیشتر شده و اطلاعات فراوان در باب اروپا و آمریکا و همه جهان فراهم آمده و بعضی آثار نویسندگان و شاعران و فیلسوفان و صاحب نظران به فارسی ترجمه شده است. علاوه بر این‌ها، همه مردم ما به رسم اروپا و آمریکا زندگی می‌کنند، خور و خواب و رفت و آمد و درس و مدرسه و فکر و ذکر و شیوه کسب و کارشان رسم و شیوه تجدد مآبی است. با همه این‌ها و با وجود دسترسی به اطلاعات، ما با خرد اروپا چندان که باید آشنا نشده‌ایم و معمولاً می‌کوشیم که با خرد فطری و ارثی خویش به فراگرفته‌هایمان که منشأ اروپایی دارند، وحدت و سروسامان بدهیم و عجیب نیست که این کوشش آشوب و آشفتگی فکر را بیشتر کند. آنچه به اروپا و غرب جدید به طور کلی سامان بخشیده است خرد و فرهنگ جدید است و تا آن خرد شناخته نشود تجدد را نمی‌توان شناخت.

به عبارت دیگر، تجدد را کسی می‌شناسد که با خرد و فرهنگ جدید آشنا باشد و بداند که از قرن چهاردهم میلادی تا قرن هجدهم در اروپا و در جان اروپاییان چه غوغای بزرگی برپا بوده و چه روحی پدید آمده که قوام تجدد و علم و تکنولوژی عظیم و نظم جدید جهان را ممکن ساخته است. از آنجاکه ادبیات و شعر و فلسفه مظاهر عمده این روح‌اند، این گمان پدید آمده است که از طریق فلسفه و هنر اروپا، باید جهان جدید را شناخت و البته این گمان درستی است به شرط اینکه فلسفه و هنر را در فضای تاریخی‌اش درک کنیم. فرهنگ جدید در اروپا پدید آمده و از ابتدا داعیه جهانی بودن و جهانگیر شدن داشته است. این خرد و فرهنگ را شاید بتوان به نحو شهودی هم درک کرد. چنان‌که ژاپن به فلسفه و ادب اروپا توجه کرد و درکش از وحدت و جامعیت تجدد، درک مستقیم و شهودی بود. ژاپن وقتی به اروپا نظر کرد، اروپا را در راهی دید و خود را نیز مهبای ورود در آن راه یافت و در آن وارد شد؛ ولی ما که به اروپا نظر کردیم، آن را مجموعه‌ای از کالاهای فرهنگی و صنعتی و سیاسی یافتیم و همچنان نیز بر این رأی می‌رویم.

چرا ما باید اروپا را بشناسیم و چه نیازی به این شناخت داریم؟ ما و همه جهان از آن جهت به شناخت تجدد نیاز داریم که خانه وجود مردمان در تسخیر تجدد است و تجدد، جهان را راه می‌برد و رفتار و گفتار و شیوه زندگی همه مردم

جهان از تجدد رنگ گرفته است. ما همه، مظاهر و وجهی از تجددیم و خود را با تجدد و تجدد را با نظر کردن به خود و در خودمان می‌توانیم بشناسیم. نشناختن تجدد، بیگانگی بیشتر با خویش است.

اکنون تجدد شأنی از وجود ماست و نه فقط رفتار و گفتار مردمان با قواعد تجدد میزان می‌شود، بلکه اصول اساسی تجدد یعنی پیشرفت و تکامل و آزادی و توانایی بشر در ساختن و پرداختن جهان خویش نیز ربطی به غرب و تجدد ندارد و در زمرهٔ مسلمات و مقبولات همیشگی است. با این ناتوانی در درک تفاوت‌هاست که مردم جهان توسعه نیافته، متجددان ناتوان‌اند.

گزارش این کتاب محدود به یک دورهٔ تقریباً یک صدساله از جنگ‌های ایران و روس تا مشروطه است و در باب وضع یک صد سال اخیر حرفی در آن نیامده است. مهم این است که بدانیم آیا تفاوتی میان درک و فهم این دو قرن وجود دارد؟

ظاهراً این است که گرچه سواد و اطلاعات بیشتر شده، ولی فهم و درک همان است که بوده است. کاش آقای جامه‌بزرگ اثرنازهای بنویسند و به ما بگویند که در قرن اخیر نگاه ما به غرب و تجدد چگونه بوده و آیا اهل سیاست و دست‌اندرکاران امور، تجدد و جهان کنونی را بهتر از خسرومیرزا و میرزاتقی‌خان قزوینی امیرکبیر و میرزاهادی قلی هدایت (مخبرالسلطنه) می‌شناسند! این سه نام را از آن جهت آوردم که نویسندگان به درستی آنان را در قیاس با دیگر سفرنامه‌نویسان، صاحب درکی برتر دانسته‌اند. در یکی دو دههٔ اخیر آثار خوبی دربارهٔ نظر غربیان به ایران و نگاه ایرانیان به اروپا و آمریکا منتشر شده است؛ کتاب «گنگ خواب دیده» هم یکی از آن کتاب‌های خوب است. توفیق نویسندهٔ گرامی را از خداوند مسئلت دارد.

رضا داوری اردکانی

شهریور ۱۴۰۰